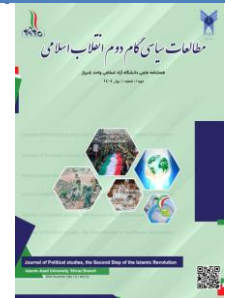




مطالعات سیاسی گام دوم انقلاب اسلامی

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

Journal Homepage: <https://sanad.iau.ir/journal/psir>



مقاله پژوهشی

علل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان بعد از حکومت دوم طالبان در افغانستان

عزت السادات آیت اللهی^۱: دانشجوی گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
حجت الله درویش پور: استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲ صص ۲۹-۳۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

چکیده

قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان باعث تحولات جدیدی در روابط بعضی از کشورهای منطقه با یکدیگر، به ویژه همسایگان این کشور شده است. گسترش روابط و همگرایی ایران و تاجیکستان در دو سال گذشته، انگیزه ای شد تا علل شتاب یافتن نزدیکی این دو کشور را بررسی نماییم. سوال اصلی این است که: علل همگرایی ایران و تاجیکستان بعد از حکومت دوم طالبان در افغانستان چه بوده است؟ هدف بررسی روابط جدید دو کشور ایران و تاجیکستان است و فرض ما در این تحقیق این است که به دلیل تحولات جدید در منطقه چالش ها و تهدیدات حکومت طالبان برای دو کشور روابط دو کشور دستخوش تغییراتی شده است که ضرورت بررسی دارد. این تحقیق از نوع کاربردی و از نظر روش، تحلیلی توصیفی است. یافته های تحقیق نشان می دهد که علاوه بر اشتراکات فرهنگی، زبانی ایران و تاجیکستان و نیازهای جدید اقتصادی دو کشور به همدیگر، قدرت گیری جدید طالبان در منطقه و حضور بیشتر گروه های تکفیری در منطقه و تهدیدات ناشی از فعالیت های این گروه ها برای دو کشور ایران و تاجیکستان در گسترش روابط و همگرایی دو کشور تاثیرگذار بوده است.

واژه های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، تاجیکستان، طالبان، افغانستان

استناد: آیت اللهی، عزت السادات؛ درویش پور، حجت الله؛ (۱۴۰۴): علل همگرایی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان بعد از حکومت دوم طالبان در افغانستان، فصلنامه مطالعات سیاسی گام دوم انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱، شیراز، صص ۲۹-۳۶.

^۱ نویسنده مسئول: عزت السادات آیت اللهی، پست الکترونیکی: mahsa.rudaki@gmail.com

مقدمه

روابط ایران و تاجیکستان به دلیل وجود مشترکات فرهنگی زبانی و دینی پس از استقلال تاجیکستان مورد توجه پژوهشگران بوده است. نزدیک شدن روابط بین جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان پس از روی کار آمدن حکومت دوم طالبان سوالی را ایجاد کرد که علت تلاش برای همگرایی بین این دو کشور چیست؟ در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم و هدف از این تحقیق روشن نمودن علت نزدیکی روابط دو کشور است. اهمیت تحقیق در این است که با این پژوهش می‌توان به درک درست منطقه و منافع ملی کشور در این خصوص پی برد. فرضیه تحقیق مبتنی بر این است که علت همگرایی دو کشور مقابله با تهدیدات احتمالی افراطی‌گری در منطقه و تامین منافع اقتصادی هر دو کشور است. این تحقیق برای نخستین بار است که انجام می‌شود و تاکنون ابعاد مختلف همگرایی دو کشور در مقطع کنونی بررسی نشده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و استفاده از کتب، مجلات و سایت‌های اینترنتی است. این تحقیق از یک مقدمه و سه بخش تشکیل شده است در بخش اول تاریخچه مختصر روابط ایران و تاجیکستان بررسی می‌شود که در آن به مشترکات دو کشور خواهیم پرداخت و در بخش دوم به چالش‌های روابط بین ایران و تاجیکستان با افغانستان تحت حکومت طالبان و نگرانی‌های این دو کشور از وضع موجود در افغانستان خواهیم پرداخت. در بخش سوم نیز علل همگرایی ایران و تاجیکستان در دوران حکومت طالبان بررسی و تحلیل می‌شود و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۱- پیشینه پژوهش

در خصوص روابط ایران و تاجیکستان پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به مواردی از آنها اشاره می‌گردد. هرچند موضوع این پژوهش روابط ایران و تاجیکستان و علل همگرایی این دو کشور در دوران حکومت دوم طالبان است که خود موضوعی جدید است و تاکنون تحقیقی در این خصوص صورت نگرفته است ولی تحقیقات قبلی در روابط ایران و تاجیکستان کمکی به روشن تر شدن موضوع می‌نماید.

نتایج پژوهش سیمبر و رحیمی (۱۴۰۰) که در مقاله‌ای تحت عنوان «مؤلفه‌های سیاسی تأثیرگذار بر روابط ایران و تاجیکستان (۲۰۱۰-۲۰۲۰)؛ بسترهای گذار از واگرایی به ثبات در همگرایی» انجام گرفته است، نشان می‌دهد که در طی سال‌های اخیر روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور تاجیکستان کم‌رنگ شده و از سال ۲۰۱۵ به بعد پایین‌ترین حد ممکن رسیده است. به زعم نویسنده احیای مؤلفه‌های سیاسی که می‌توان بخشی از آن را در چهارچوب مفهوم سیاست خارجی تعبیر کرده عامل بسیار مهمی است که در گذار از واگرایی به سمت همگرایی نقش مهمی دارد و ثبات در همگرایی را به ارمان می‌آورد. حمید احمدی (۱۳۹۸) نیز در مقاله خود روابط فرهنگی میان دو کشور ایران و تاجیکستان را با محوریت الفبای نیاکان بررسی و تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌ها و همکاری هر دو کشور در زنده کردن خط نیاکان در برابر خط روسی عوامل سیاسی و سیاست مانع اصلی در راه تحقق این همکاری و همگرایی شده و آن را به بن بست کشانده است. محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۷) در کتاب «جهانی‌سازی و همگرایی کشورهای اسلامی» اذعان می‌دارد که به منظور بررسی وضعیت همگرایی فرهنگی در جهان اسلام، اقدامات سازمان کنفرانس اسلامی که به عنوان عالی‌ترین نماد همکاری و هماهنگی بین کشورهای اسلامی شناخته می‌شود می‌تواند ابزار بسیار مناسبی باشد. ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی مهم‌ترین علل همگرایی و واگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و کشور تاجیکستان می‌پردازد. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد که عواملی همچون وحدت تمدنی، پیشینه تاریخی و فرهنگ مشترک، نژاد آریایی و پیوندهای زبانی و هم‌چنین مذهب مشترک از جمله عمده‌ترین بسترهای همگرایی بین این دو کشور می‌باشند.

۲- بررسی عوامل همگرایی میان دو کشور ایران و تاجیکستان

ریشه‌های تاریخی یکسان، دین واحد و زبان مشترک در کنار تشابه آداب و رسوم و سنن میان دو کشور ایران و تاجیکستان نشان می‌دهد که هر دو کشور از یک پیشینه فرهنگی بسیار قوی برخوردارند. حتی تلاش‌هایی که کمونیست‌ها طی ۷۴ سال در تغییر خط و زبان انجام دادند نتوانست این اشتراک رو کم‌رنگ کند.

۲-۱- اشتراکات زبانی

زبان فارسی حلقه اتصال جمهوری اسلامی ایران و کشور تاجیکستان است و امروز عمده‌ترین ویژگی و سرچشمه وحدت استقلال جویانه مردم تاجیکستان دلبستگی آنان به زبان و فرهنگی قومی خویش است. بیشتر مردم کشور تاجیکستان به زبان فارسی صحبت می‌کنند و زبان رایج میان آنان فارسی دری می‌باشد. زبان ملی کشور تاجیکستان بر اساس قانون اساسی این کشور فارسی تاجیکی می‌باشد که این زبان جز گروه زبان‌های جنوب خاوری ایران به حساب می‌آید. تا جایی که این دوره نوزایی یا رنسانس ایرانی توسط دانش پژوهان نامیده شد. (انوشه، ۱۳۷۵: ۴۳۲)

۲-۲- هم آیینی و اشتراک در دین

بیشتر جمعیت کشور تاجیکستان مسلمان هستند و مذهب اکثر آنان سنی و از شاخه حنفی است. اهل سنت برای اهل بیت و ائمه شیعه احترام ویژه‌ای قائلند؛ به‌عنوان مثال حضرت علی (ع) را به‌عنوان کرم الله وجهه یاد می‌کنند و فرزندان ایشان، به خصوص امام حسن و امام حسین را دوست می‌دارند و با وجودی که پیرو مذهب اهل سنت هستند علاقه‌ی شدیدی به امام رضا دارند و مهم‌تر از همه اینکه به مهدی موعود نیز اعتقاد دارند. (افشار: ۱۳۸۳: ۱۴۵)

۲-۳- پیوندهای نژادی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نقطه اشتراک ایران با دولت‌های آسیای مرکزی وجود همین قبایل آریایی هستند که در هزاره‌های سوم قبل از میلاد از سرزمین‌های پر جمعیت جهان به حساب می‌آمدند. شایان ذکر است که فرهنگ آریایی بر تمامی منطقه از جهت سیاسی و دینی تأثیر گذار بوده به طوری که حتی با آمدن اسلام و تلاقی آن با فرهنگ و سنت‌های آریایی‌ها، مؤلفه‌های فرهنگی این تمدن و استقلال فرهنگی منطقه، اصول خود را حفظ کرده است. بنابراین آنچه واضح است، تأثیرپذیری تمدن اسلامی از عناصر آریایی است. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۱)

۲-۴- زمینه‌های همگرایی بین ایران و تاجیکستان

از نظر طبیعی ایران، از شمال به رودخانه اترک، دریای خزر و رود ارس، از شرق به کوه‌های هندوکش و کوه‌های غربی دره سند، از غرب به دامنه‌های غربی. رشته کوه‌های زاگرس و حوزه اروندرود و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود است. بیش از نیمی از ایران کویری و نیمه بیابانی است. از سوی دیگر، تاجیکستان با داشتن منابع فراوان آب شیرین می‌تواند شریک مطمئنی برای تأمین منابع آب پایدار و در ازای دریافت انرژی (نفت و گاز) باشد (به گفته مقامات ایرانی تا سقف ۱۵ میلیارد متر مکعب آب می‌توان از تاجیکستان تهیه کرد). این کشور از نظر اقتصادی بازار بسیار خوبی برای محصولات ایرانی و همچنین تأمین کننده خوبی برای برخی صنایع تبدیلی مانند نساجی است. علاوه بر این با توجه به پیشینه فرهنگی و تاریخی دو کشور، در ذوق و ذوق هنری تقریباً یکسان است و این همکاری را می‌توان در صنایع دستی و هنرهای دو کشور دید که می‌تواند زمینه ساز باشد.

۳- روابط ایران و تاجیکستان در دوران پس از انقلاب اسلامی

از زمان استقلال تاجیکستان فعالیت های فرهنگی در سرلوحه برنامه های جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان قرار گرفت. با توجه به این گزارش یک رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران را در کشور تاجیکستان، در راستای تقویت همگرایی فرهنگی دو کشور و همچنین حفظ میراث مشترک دو کشور، برنامه های مختلفی توسط متولیان فرهنگی اجرا شده است. در این راستا حدود ده سال است که فرهنگ های ایران و تاجیکستان با یکدیگر همکاری می کنند. در شهرهای دوشنبه و خجند پژوهشکده های ایران شناسی وجود دارد و مجلات متعددی مانند پژدان، نما هاروشگاه، رودکی و ... به زبان فارسی و سیریلیک منتشر می شود.

۴- روابط ایران و تاجیکستان پس از روی کار آمدن حکومت دوم طالبان

پس از چند سال سردی روابط و تنش میان حکومت‌های تاجیکستان و ایران، نشانه‌هایی از نزدیکی دو کشور به هم و افزایش همکاری‌های دوجانبه دیده می‌شود. در جریان ماه‌های اخیر و پس از بروز تحولات سیاسی در افغانستان و اوکراین، رفت‌وآمد مقام‌های تاجیکستان و ایران نیز افزایش یافته است. در آخرین مورد امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، پس از حدود هشت سال به تهران سفر کرد و با رئیس‌جمهور و رهبر جمهوری

اسلامی دیدار داشت. چنان که رسانه‌های دو کشور گزارش داده‌اند، مساله افغانستان یکی از محورهای اصلی این سفر بود. تاجیکستان و ایران در مورد تحولات اخیر افغانستان موضع مشترک دارند و مقام‌های ارشد هر دو کشور بارها به گونه علنی بر ایجاد «حکومت همه‌شمول» و با حضور نماینده‌گان تمام اقوام و طرف‌های دخیل در افغانستان پافشاری کرده و به گونه ضمنی ناراضیتی خود از رژیم طالبان را بیان کرده‌اند. نگرانی از گسترش فعالیت گروه‌های هراس‌افکن به ویژه داعش در خاک افغانستان و در امتداد مرزهای کشورهای شان یکی از عوامل نزدیکی دو کشور است. روی کار آمدن دوباره رژیم طالبان و افزایش تحرکات گروه‌های هراس‌افکن در نزدیکی مرزهای تاجیکستان، نگرانی شدید مقام‌های ارشد این کشور را به دنبال داشته است. نگرانی مهم حکومت تاجیکستان این است که مبدا دامنه فعالیت گروه‌های هراس‌افکن از افغانستان به این کشور گسترش پیدا کند. کشورهای آسیای میانه به شمول تاجیکستان روی روسیه برای تأمین امنیت و دفع حملات خارجی حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند و روسیه چندین پایگاه نظامی در خاک تاجیکستان دارد؛ اما در اوضاعی که ارتش روسیه سرگرم جنگ اوکراین می‌باشد، تاجیکستان نگران سرازیر شدن ناامنی از خاک افغانستان است. از جانب دیگر، اختلاف‌های مرزی تاجیکستان با قرقیزستان و حمایت ترکیه از قرقیزستان عامل دیگری است که سبب شده تاجیکستان برای تقویت و تجهیز نیروهای نظامی خود دست کمک به سوی ایران دراز کند و از این طریق موازنه قدرت را به سود خود سنگین سازد. حکومت ترکیه طی سال‌های اخیر روابط نزدیکی با کشورهای اوزبیکستان و قرقیزستان، دو همسایه تاجیکستان برقرار کرد و این کشورها عضویت «سازمان دولت‌های ترک» را نیز دارند. در اوضاعی که تاجیکستان و قرقیزستان چند بار بر سر اختلاف‌های مرزی باهم درگیر شدند، ترکیه پیاده‌های نظامی «بیرق‌دار» را در اختیار قرقیزستان قرار داد. تاجیکستان و ایران به لحاظ اندیشه و نوع حکومت‌داری تفاوت‌های عمیقی دارند و همین تفاوت‌ها سبب سردی کم‌سابقه روابط دو کشور طی سال‌های اخیر شده بود؛ اما ظاهراً تحولات اخیر منطقه این دو کشور هم‌زبان را به هم نزدیک‌تر کرده است؛ حتی اگر این نزدیکی مقطعی و کوتاه‌مدت باشد.

۵- عوامل همگرایی ایران و تاجیکستان بعد از حکومت دوم طالبان

الف) برخورد طالبان با شیعیان و رویکرد تک مذهبی طالبان

گروه طالبان از آغازین روزهای تسلط دوباره بر افغانستان، تلاش برای از بین بردن تنوع مذاهب در افغانستان را آغاز کردند. اکنون در دستگاه قضایی طالبان هیچ قاضی شیعه وجود ندارد. قاضی‌های طالبان در دعوای که یک طرف قضیه اهل تشیع باشد، برخورد تبعیض آمیز دارند و قضایای مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع را نیز بر اساس فقه حنفی فیصله می‌کنند.

ب) دشمنی طالبان با زبان فارسی

حذف نوروز باستانی از تقویم و بیرون کشیدن واژگان فارسی از نماد و نشانه‌های شهری علاوه بر دشمنی طالبان با زبان فارسی نشانگر روحیه تمامیت‌خواهی این قوم خودمحمور در افغانستان است. رفتار یک‌ساله و دشمنی طالبان با زبان فارسی حتی برای دیرباورترین آدم‌ها هم این را به اثبات رساند که طالبان از ریشه با زبان فارسی دشمنی دارند و آن را خطری برای استقرار حاکمیت خود می‌شمارند.

ج) ورود بی رویه افغان‌ها به ایران و خطرات آن

دریچه تأثیر این مهاجرت بر بحث توسعه ایران. موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که مسأله خروج متخصصین ایرانی از کشور و ورود مهاجران افغانستانی به ایران آثار ضد توسعه‌ای برای کشور به همراه داشته و دارد. ایران مرز وسیعی را با افغانستان دارد و بسیاری از گروه‌های قومی در این کشور، در شرایطی که طالبان بر افغانستان حاکم باشد فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد. سیل مهاجران به سمت ایران روان خواهند شد که در شرایط تحریم می‌توانند برای ایران بار اقتصادی مضاعفی ایجاد کنند. یک نگرانی دیگر هم آن است که در میان مهاجرانی که از دست طالبان گریخته‌اند، اعضای از این گروه از مرزها عبور کنند و به ایران بیایند. یکی از دیگر موارد نگران کننده آن است که گروه طالبان بخواهد راه‌های تجاری بین ایران و افغانستان را سد کند. گروه طالبان سلاح در دست دارند و افراد آنها برخلاف تصور مرسوم از دهه نود میلادی تا به امروز تغییر چندانی نکرده‌اند. در ایدئولوژی آنها ایران کماکان کشوری شیعی و دشمن به حساب می‌آید که اگر به آن سفر می‌کنند تنها به دلیل ایجاد چهره‌ای دیپلماتیک و منطقی از خود است. اما نیروهای آنها در این سو و آن سوی افغانستان از رهبری شان در قطر و پاکستان پیروی نمی‌کنند. مرز بین سه کشور منطقه‌ای حساس و ویژه است که می‌تواند محل خطرناکی هم باشد. در شرایطی که طالبان در افغانستان قدرت بگیرد، خاک این کشور می‌تواند تبدیل به لانه‌ای برای گروه‌های تروریستی شود که از مرز رفت و آمد کنند و سلاح‌هایشان را تأمین کنند. طالبان برای تأمین منابع مالی و سلاح خود به کشورهایی نیاز دارد که از نظر ایدئولوژیک با این گروه نزدیکی دارند. به همین دلیل است که به راحتی می‌توانند تبدیل به ابزاری برای رساندن آنها به اهدافشان باشند. از انجایی که مرز افغانستان و ایران از وسعت زیادی برخوردار است، در شرایطی که اختلاف‌ها

در خاورمیانه شدت بگیرد، بعید نیست که کشورها دست به تحریک طالبان و افراد مسلح در مرز با ایران بزنند تا امنیت ملی کشورمان را به خطر بیاندازند.

(د) چالش ایران و افغانستان بر سر سهم آب از رود هیرمند

در حالی که حقایق ایران از هیرمند در سالهای نرمال آبی، ۸۲۰ میلیون متر مکعب است، از سال ۱۳۹۹ به بعد، سه سال است که تقریباً هیچ آبی به منطقه وارد نشده است و تا پیش از این حاکمان همسایه شرقی ایران خشکسالی و کمبود بارش و ذخیره آبی را دلیل این اقدام خود باین می کردند اما اکنون سازمان فضایی ایران با استفاده از ماهواره خیام و پایش تصاویر آن اعلام کرده که آب این رود عمداً منحرف شده است. حاکمان افغانستان در یکسال و نیم گذشته، اگرچه بارها بر پایبندی به تعهدات خود طبق معاهده تأکید کرده اند، اما در عمل، تعهدات ناشی از معاهده را اجرا نکرده و در رهاسازی و تأمین حقایق ایران، همکاری لازم را به عمل نیاورده و حقایق قانونی ایران را تحویل نداده اند

(ح) وضعیت بد اقتصادی تاجیکستان

بانک جهانی پیش‌بینی کرده که رشد اقتصاد تاجیکستان در سال جاری به دلیل کاهش حواله‌های ارسالی مهاجران کاری از ۸ درصد سال گذشته به ۵ درصد کاهش می‌یابد. در چنین شرایط بد اقتصادی تاجیکستان باید احتمال معاملات اقتصادی بین تاجیکستان و طالبان را در جهت کسب منافع دو طرف در نظر گرفت. یکی از محورهای روابط تاجیکستان با طالبان و فاصله گرفتن از جبهه مقاومت مسلحانه، منافع تجار و اقتصادی است که از زمان حاکمیت مجدد طالبان همچنان ادامه دارد. در واقع، صادرات سیمان و زغال سنگ تاجیکستان از خاک افغانستان به پاکستان هشت برابر افزایش یافته است. در دیگر بخش‌ها نیز دادوستد اقتصادی طالبان و تاجیکستان همچنان ادامه دارد. مثلاً صادرات برق تاجیکستان در دوران حاکمیت طالبان به افغانستان بیشتر هم شده است. گذشته از منابع مالی، فشارهای روسیه و چین مبنی بر تعامل با گروه طالبان را نیز نباید نادیده گرفت. این دو قدرت اثر فراوانی بر تصمیم‌گیری‌ها در تاجیکستان دارد و روابط رسمی آنها با طالبان گروه مقاومت را در تنگنا قرار داده و زمینه همکاری بیشتر بین طالبان و تاجیکستان را فراهم کرده است.

(و) به خطر افتادن امنیت تاجیکستان

شاید در برداشت اولیه اینگونه بنظر برسد که تاجیکستان در پی دفاع از حقوق مردم تاجیک تبار افغانستان در مقابل سلطه جوئی پشتون‌ها برآمده است ولی برخی ادله حاکی از ضعیف بودن چنین تصویری است از جمله اینکه اولاً تاجیکستان روابط بسیار نزدیکی با اشرف غنی به عنوان یک پشتون تبار متعصب برقرار کرده بود، دوم اینکه تاجیکستان تا قبل از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان اصلاً کاری به تاجیک تباران افغانستان نداشت، سوم دیگر همسایگان افغانستان که درک و برداشتی متفاوت از تاجیکستان نسبت به مقوله طالبان داشته اند بر خلاف تاجیکستان تاکنون به فکر دفاع از اقلیتهای ازبک، ترکمن، هزاره و فارسی زبانها در مقابل طالبان نیفتاده اند. در نتیجه باید در پی یافتن برخی علل و عوامل عینی در توجیه ترس و نگرانی تاجیکستان بابت به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان باشیم. بنظر می رسد در تحلیل علل و عوامل ترس و نگرانی تاجیکستان از ناحیه طالبان می توان بر روی ۳ محور ذیل تمرکز نمود:

- نگرانی مشترک روسیه و همسایگان شمالی افغانستان نسبت به اثرات نامطلوب به قدرت رسیدن طالبان.
- مشکلات و بحرانهای داخلی تاجیکستان.
- نگرانی بابت قربانی شدن تاجیکستان در بازی بزرگ میان غرب با چین. (تاجیکستان منطقه حائل میان افغانستان و سین کیانگ)

تاجیکستان بصورت بالفعل با انواع بحرانها و مشکلات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی دست به گریبان شده است و همین مساله بزرگترین و اصلی ترین آسیب پذیری این کشور در مقابل هر نوع تهدید از خارج می باشد. تاجیکستان با بحران جانشینی امامعلی رحمان مواجه است. علاوه بر آن فساد فراگیر، ناکارآمدی، شکافهای طبقاتی و بسیاری مشکلات دیگر این کشور را در آستانه فروپاشی و ورشکستگی قرار داده است. تاجیکستان تبدیل به یکی از شکننده ترین و آسیب پذیرترین کشورها در دنیا شده است. تاجیکستان وارث تجربه تلخ جنگهای داخلی در دهه ۷۰ هجری شمسی میان حکومت و اسلام گرایان است و البته اکنون وضعیت اسلامگرایی در تاجیکستان بمراتب گسترده تر و عمیق تر از گذشته شده است، چنانکه بخاطر سیاستهای سرکوب علیه اسلامگرایان، انواع جریانات اسلامگرایی در لایه های زیرین جامعه تاجیکستان ریشه دوانیده است و هر زمان ممکن است بصورت آتش زیر خاکستر فوران نماید. طبق برخی گزارشات، زندانهای تاجیکستان تبدیل به کانون سازمانهای تندروی دینی شده است.

متأسفانه ارتش تاجیکستان با ضعفهای بزرگی مواجه است. از مدتها قبل بخاطر سطح بالای فساد در ارتش و دستگاه امنیتی تاجیکستان، مرز تاجیکستان با افغانستان تبدیل به یک مرز نفوذ پذیر برای قاچاق مواد مخدر (به عنوان منبع اصلی درآمد گروههای تروریستی ستیزه جو)، اسلحه و انسان شده است. اگر صحت گزارشهای سازمان مواد مخدر و جرائم ملل متحد (UNODC) طی سالهای اخیر مورد تایید باشد طبق این گزارشها تاجیکستان تبدیل به یکی از اصلی ترین نقاط ترانزیت و قاچاق مواد مخدر از میدا افغانستان شده است که این موارد گویای فساد فراگیر حکومتی و افزایش فعالیت گروههای تروریستی در قلمرو تاجیکستان همچنین در طول مرزهای این کشور با افغانستان است.

در طول جنگ پنجشیر، تاجیکستان از نیروهای احمد مسعود حمایت کرد اما در مقابل طالبان و پاکستانی که از آن حمایت می کرد راه به جایی نبرد. بسیاری بر آنند که احمد مسعود در حال حاضر در تاجیکستان ساکن است. مقامات تاجیکستان با مسعود و برخی اهالی مناطق کوهستانی افغانستان رابطه خونی و نژادی و زبانی دارند، از این رو، به نفع تاجیکستان بود و هست که تاجیک های افغانستان بر طالبان پیروز شوند اما در مقابل، پیروزی طالبان بر نیروهای مقاومت پنجشیر و پیش روی آنها و هم مرز شدن با تاجیکستان باعث ناراحتی و نگرانی تاجیک ها می شود چرا که قدرت نظامی و لوجستیکی افغانستان از جهات مختلف از تاجیکستان بیشتر است و این فاکتور می تواند برای تاجیکستان خطر ساز شود.

۶- نتیجه گیری

نگرانی دولت و رهبری تاجیکستان از ناحیه افغانستان، عینی و واقعی است و احتمالاً ربط چندانی به دفاع از اقلیت قومی تاجیک در افغانستان ندارد. بزرگترین آسیب پذیری تاجیکستان مشکلات و بحرانهای حل نشده داخلی است. تاجیکستان ضعیف ترین حلقه در محیط پیرامونی افغانستان در مقابل خطرات طالبان تلقی می شود. ظاهراً سرریز شدن بحرانهای افغانستان به محیط پیرامونی و همسایگان این کشور اجتناب ناپذیر است. ارتش و حکومت تاجیکستان فاقد توان لازم برای دفاع از این کشور در مقابل تهدیدات امنیتی و نظامی از ناحیه افغانستان هستند، بنابراین فعلاً دفاع از تاجیکستان و تامین امنیت این کشور به روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی سپرده شده است. در حالیکه سازمان پیمان امنیت دسته جمعی پس از تجربه تلخ ناتو در افغانستان، در معرض آزمون و محک سختی در آسیای مرکزی قرار گرفته است، انتظار می رود تاجیکستان بر اثر فروپاشی افغانستان بیشتر از دیگر همسایگان افغانستان در معرض مشکلات و ناامنی قرار بگیرد. از طرفی، نزدیک شدن به ایران می تواند روابط با کشورهای غربی را پیچیده کند. علیرغم موضع بی طرف دوشنبه در قبال جنگ در اوکراین، تصور اینکه امامعلی رحمان به طور مساوی در همه جبهه ها مشارکت داشته باشد دشوار است. چنین تلاشی در آغاز رویارویی با رژیم طالبان در کابل صورت گرفت. بدون شک قدرت گیری طالبان در افغانستان تاجیکستان را ترسانده و به ایران نزدیک کرده است. با توجه به این موضوع، نزدیک شدن به ایران در ابتدا بر مبنای تقویت امنیت منطقه ای منطقی به نظر می رسد. تاجیکستان تا حد امکان به متحدان و شرکای با قدرت نظامی قابل توجه نیاز دارد تا به طالبان نشان دهد که تاجیکستان متحدان با نفوذی دارد. با این حال، رویکرد ایران و گفتگوهای دو جانبه با طالبان پس از اوت ۲۰۲۱، نشانگر اجتناب از موقعیت های درگیری است.

در مجموع با توجه به رویدادهای اخیر در افغانستان و روی کار آمدن طالبان به قدرت، ایران و تاجیکستان به دلایل زیر به هم احتیاج دارند:

۱. امنیت مرزی: ایران و تاجیکستان به دنبال حفظ امنیت مرزی خود در برابر نفوذ گروههای مسلح و تهدیدات امنیتی از سوی طالبان هستند.
 ۲. پایداری منطقه‌ای: پایداری افغانستان به عنوان یک کشور همسایه می‌تواند برای ایران و تاجیکستان اهمیت داشته باشد و هر گونه ناپایداری و عدم استحکام در این کشور می‌تواند به ضرر منطقه باشد.
 ۳. مهاجرت و پناهندگی: با افزایش نگرانی‌ها از تشدید وضعیت امنیتی در افغانستان، ایران و تاجیکستان ممکن است با افزایش مهاجرت‌ها و پناهندگی‌ها مواجه شوند و برای مدیریت این وضعیت نیاز به همکاری دارند.
 ۴. تجارت و اقتصاد: همکاری و هماهنگی بین ایران، تاجیکستان و افغانستان می‌تواند به تسهیل تجارت و تبادلات اقتصادی کمک کند و بومی‌سازی اقتصاد منطقه را تقویت کند.
- به طور کلی، با توجه به تأثیراتی که وقوع این رویدادها بر منطقه دارد، همکاری و هماهنگی بین ایران، تاجیکستان و افغانستان اهمیت بالایی دارد.

۷- پیشنهادات و راهکارهای پژوهشگر

- ۱- ایران می تواند با سرمایه گذاری در اقتصاد تاجیکستان به ویژه منابع آبی غنی این کشور، علاوه بر تقویت اقتصاد تاجیکها و تامین منابع آبی خود، یک روابط ناگسستنی با دوشنبه برقرار کند. بنابراین ایران می تواند با استفاده از موقعیت تاجیکستان حضور خود را در آسیای مرکزی تقویت

کند که این امر باعث کاهش نفوذ رقبا و افزایش قدرت چانه زنی ایران می‌شود. بر همین اساس، هیدروپلیتیک زمینه مناسبی برای نقش آفرینی ایران در آسیای مرکزی است که با برنامه ریزی دیپلماتیک و سرمایه گذاری مناسب، این منابع ارزشمند آبی منبعی بسیار مطمئن و ارزان برای تامین آب شرب و کشاورزی ایران خواهد بود.

۲- با بررسی تسلیحات نظامی ایران و تاجیکستان مشخص می‌شود که این کشور (تاجیکستان) در زمینه توپخانه و راکت انداز به شدت ضعیف است. ایران دارای توپخانه ای مجهز بوده و موشک های بالستیک دور برد، میان برد و کوتاه برد فراوانی هم دارد. فروش این تسلیحات به تاجیکستان می‌تواند کمک فراوانی به دو طرف کند. همچنین، ایران و تاجیکستان می‌توانند در آینده همکاری های نظامی بیشتری داشته باشند تا زمینه مناسب برای معاملات نظامی فراهم شود.

۳- علی رغم اینکه ایران هیچ‌گاه از مهاجران افغان به عنوان اهرم فشار سیاسی استفاده نکرده است پیشنهاد می‌شود از مهاجرین افغانی به ویژه مهاجرینی که ورود غیر قانونی داشتند جهت تشکیل نیرویی برای مواجهه به خطرات طالبان تشکیل شود تا علاوه بر ایجاد یک نیروی آموزش دیده برای کمک به جبهه مقاومت افغانستان در مقابل طالبان، از هرگونه اقدام خرابکارانه طالبان در ایران و یا تاجیکستان جلوگیری شود.

۴- پیشنهاد می‌شود به دلیل نیاز تاجیکستان به ایران جهت تامین امنیت کشورش بدلیل داشتن مرزهای وسیع مشترک با طالبان و نیز حضور طالبان تاجیک در این کشور، برای بستن قراردادهای مشترک تامین سلاح و مهمات، ایران اقدامات لازم را انجام دهد تا منفعت امنیتی و اقتصادی دو کشور نیز تامین شود.

۵- امکان پذیر کردن کمربند امنیتی در اطراف افغانستان برای جلوگیری از هرگونه نفوذ و یا تهدید امنیتی علیه کشورهای همسایه با آماده سازی ارتش ایران، تاجیکستان، پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان و چین

منابع:

۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۲. حقی، محمد (۱۳۹۶)، همگرایی ملتها و واگرایی دولت‌های مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی، تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)
۳. دولتیار، احمدخان (۲۰۲۰)، فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان، صص ۴۴۷-۴۳۴.
۴. فلاح نژاد، علی و امیری، علی (۱۳۹۴)، روابط ایران و افغانستان؛ همگرایی یا واگرایی، فصلنامه مطالعات سیاسی سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۵۰-۱۲۰.
۵. فن برکه، آ (۱۳۸۱)، جنگ داخلی تاجیکستان، ترجمه لادن مختاری و علی رحمانی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۷)، روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۴۰-۹.
۷. احمدی، حمید (۱۳۹۸)، روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان: زنده کردن خط نیاکان و چالش سیاست، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۲۷۰-۲۴۵.
۸. بدوخی، منوچهر (۱۳۹۰)، تأثیر تعاملات اقتصادی در توسعه روابط ایران و تاجیکستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۷.
۹. چهرقانی، رضا (۱۳۹۹)، زبان و ادب فارسی، بستر نو اندیشی و تجدد در تاجیکستان، مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، صص ۶۱-۹۴.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا و سیدهادی، زرقانی (۱۳۹۱)، چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۵۴-۱۳۹.
۱۱. رحمانی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی مشترکات جغرافیای تاریخ فرهنگی، اجتماعی کشورهای ایران و تاجیکستان، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شال سوم، شماره ۶، صص ۹۴-۷۳.
۱۲. سیمبر، رضا و رحیمی، امید (۱۴۰۰)، مؤلفه‌های سیاسی تأثیرگذار بر روابط ایران و تاجیکستان (۲۰۱۰-۲۰۲۰)؛ بسترهای گذار از واگرایی به ثبات در همگرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۲۴-۲۰۱.

۱۳. کیانی، جواد؛ زرگر، علیرضا؛ بنی مسنی، محمد؛ رشید حفظ آباد، موسی (۱۳۹۸)، بررسی عوامل همگرایی در روابط ایران و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت نواحی مرزی «فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۲، صص ۷۸-۵۳».
۱۴. _____ (۱۳۸۷)، تعاملات فرهنگی ایران و تاجیکستان، فصلنامه تخصصی انجمن علوم سیاسی، شماره اول، سال اول.
۱۵. علویان، مرتضی و کوزه گر، ولی (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۹۲-۶۳.
۱۶. عبدی، عطا، آمره، محمد، & متقی، افشین. (۱۴۰۱). بررسی روابط ایران و تاجیکستان از منظر هیدروپلیتیک و ژئوکالچر. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۱۸ (۶۶)، ۵۶-۳۵.
۱۷. Contori, Louis and Spigle L. Steven (۱۹۷۰). The International Politics of Region: A Comparative Approach, New Jersey, Prentice hall
۱۸. Ebrahimi, Morteza, Navakhti Moghaddam, Amin, Osuli, Ghasem (۲۰۲۱), "The Determinative Factors of Iran's Relation with the Central Asian Republic from Political Economy Perspective (Case Study: Turkmenistan and Tajikistan)", Central Eurasian Studies, Vol. ۱۳, No. ۲, pp. ۳۲۵-۳۴۴ [in Persian] (doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/JCEP.۲۰۲۰.۳۰۱۶۱۲.۴۴۹۹۲۲)
۱۹. Fuller, Graham E, (۱۹۹۲), Central Asia: The New Geopolitics, Santa Monica, CA, Rand.
۲۰. Ghavam, Abdolali (۲۰۱۶). International Relations: Theories and Approaches [In Persian]. Tehran: Samt Publication.
۲۱. Haas, Ernst B. (۱۹۵۸), The Uniting of Europe, Stanford: Stanford University Press.
۲۲. Lincliter, Andrew (۲۰۱۷). Liberian Peace. Translated by Alirezad Tayyeb. Tehran: Center for Political and International Studies.
۲۳. Seyfzade, Hossein (۲۰۱۶). Theory Making in International Relations [In Persian]. Tehran: Samt Publication.
۲۴. Shafiev, Abdulfattoh. (February ۲۰۱۶). "Iran and Tajikistan: A Story of Love and Hate", CENTRAL ASIA POLICY BRIEF, No. ۳۴.
۲۵. Shakir, Mohammad. (۲۰۱۷). "Iran-Tajikistan Relations Internal and External Challenges", (Ph.D.) International and Central Asian Affairs Researcher Iran's policies towards Central Asia, Available at: <https://rasanah-iiis.org/english/the-journal/iran-tajikistanrelations-internal-and-external-challenges>. (Accessed on: ۲/۲/۲۰۱۹).